روزنه

درخواست رئیس فراکسیون حقوق شهروندی از رئیس قوه قضائیه

درباره قتل شیرمحمدعلی دستور پیگیری صادر شود

● **ایسنا:** رئیس فراکسیون حقوق شهروندی مجلس در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه از تدوین طرحی در این فراکسیون برای سپردن مسئولیت سازمان زندان‌ها به وزارت دادگستری خبر داد.در بخش‌هایی از نامه عبدالکریم حسین‌زاده آمده است: سال ۹۶ و پس از گزارش مرگ چند نفر از معترضان آن ایام در زندان‌ها، اصرار داشتیم تا به عنوان نمایندگان مردم، از زندان اوین و سایر زندان‌ها و بازداشتگاه‌هایی که اخبار ضدونقیض درباره شرایط نگهداری زندانیان از آنها به گوش می‌رسید، بازدید کنیم. اما آنچه در نهایت و پس از هفته‌ها اصرار و پیگیری از سوی قوه قضائیه مورد موافقت قرار گرفت، نتایج آن بازدید و مسائل مختلفی در پس از آن نیز که از طریق خانواده‌های برخی از زندانیان به فراکسیون حقوق شهروندی مجلس گزارش شد، ما را به این جمع‌بندی رساند که حلقه مفقوده ماجرا، نظارت نهادی بیرونی بر امور سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است.در بخش دیگری از این نامه آمده: با توجه به فراخوان اخیر قوه قضائیه برای مشارکت مردم در تحول دستگاه قضائی، آنچه در فراکسیون حقوق شهروندی مجلس به عنوان طرحی پیشنهادی برای حل این معضل، روی میز قرار دارد، طرحی است برای سپردن مسئولیت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به وزارت دادگستری تا هم در ادامه سایر وظایف اجرائی دولت، اجرای احکام حبس و همچنین مدیریت مالی و منابع انسانی و مسئولیت حقوقی این فرایند نیز بر عهده وزارتخانه تخصصی این امر یعنی وزارت دادگستری باشد و هم مجلس و خود قوه قضائیه بتوانند بر نحوه اجرای این مسئولیت نظارت دقیق داشته باشند. البته صرف‌نظر از اینکه کلیت این ایده مورد قبول شما هست یا خیر و اینکه در نهایت برای نظارت‌پذیرکردن زندان‌ها و بازداشتگاه‌های کشور، به چه راهکاری خواهیم رسید، شایسته است که حضرت‌عالی درباره قتل علیرضا شیرمحمدعلی در زندان تهران بزرگ و گزارش‌هایی که متعاقب آن از وضعیت نگهداری زندانیان در این زندان و برخی زندان‌های دیگر منتشر شد، دستور پیگیری صادر فرمایید تا ضمن روشن‌شدن ابعاد این قتل، با برخورد با مسببین و مقصرین از تکرار حوادث مشابه در دیگر زندان‌ها جلوگیری شود.

تحلیل مواضع اخیر سعید حجاریان

اصلاحات صدقه بگیر نیست

مهرشاد ایمانی: سعید حجاریان در تازه‌ترین یادداشت خود که در سایت «مشق نو» منتشر شده است، تحول‌خواهی پس از انقلاب را در سه جریان خط‌امامی، اصلاح‌طلبی و سبزها بازخوانی کرده و گفته است: «اکنون با گذشت یک دهه، این سه جریان نه‌تنها تلفیق و تجمیع نشده‌اند، بلکه میان آنها مرزبندی صورت گرفته است؛ چپ‌های خط‌امامی در گذشته متوقف مانده‌اند، اصلاح‌طلبان گذشته را به دیده انتقادی می‌نگرند اما تحرک کافی از خود نشان نمی‌دهند و حامیان جنبش سبز تا حد زیادی آموزه‌های قدما را نفی می‌کنند».

حجاریان ویژگی بارز خط‌امامی‌ها را برابری‌خواهی می‌داند: «کنشگران سیاسی در ابتدای انقلاب، فارغ از عمق تئوریک و آگاهی از مکاتب اندیشه‌ای جملگی به صفت برابری‌خواهی متصف می‌شدند و طبیعتا خط‌امامی‌ها نیز در فهرست برابری‌خواهان قرار می‌گرفتند». اما او باور دارد انشقاق میان جناح‌های سیاسی با خوانش آنها از مفهوم آزادی صورت گرفت: «هم‌گرایی نسبی میان جناح‌ها بر سر برابری‌خواهی در مقوله آزادی‌خواهی به گسست انجامید و میان چپ و راست مرزبندی صورت گرفت؛ چپ‌های برابری‌خواه و طرفدار آزادی و راست‌های برابری‌خواه و مخالف آزادی. البته شایان ذکر است افرادی به جناح چپ انتساب داشتند و با تندروی، به سهم خود وجهه این جریان را خراب کردند اما مخالفان آزادی در اردوگاه راست بی‌شمار بوده‌اند».

با خط روایت تاریخی حجاریان در حقیقت زمینه‌های ایجاد دو طیف مهم سیاسی امروزی که ریشه در کلیتی به نام خط‌امامی‌ها داشت، از خوانش متفاوت ایشان درباره آزادی ایجاد شد. او در ادامه می‌گوید: در اواسط دهه ۷۰ و با پیدایی دوم خرداد سال ۷۶ چپ‌های خط‌امامی با نام اصلاح‌طلب معرفی شدند. البته حجاریان ذکر کرده است الزاما تمام تفکرات چپ‌های خط‌امامی همانی نبود که در هویت اصلاح‌طلبی ایجاد شد: «پدیده دوم خرداد و دوم‌خردادی‌ها را طبیعتا نمی‌توان بی‌ارتباط با چپ خط‌امامی تعریف و تحلیل کرد. پس از برآمدن دولت اصلاحات، آموزه‌ها و شعارهای آن جریان چندساله، روزآمد و تدقیق و دموکراسی، به‌عنوان محور شعارها انتخاب شد. این چرخش از تحلیل‌های اپوزیسیون به‌دور نماند؛ چنان‌که مشاهده می‌کنیم، در نخستین واکنش‌ها از سوی آنها گفته شد دوم خرداد ۲۰ سال به عمر جمهوری اسلامی افزود. به‌تدریج، با تحکیم آموزه‌های جدید از هویتی به‌نام اصلاح‌طلبی سخن به میان آمد؛ موجودیتی که ریشه در چپ خط‌امامی داشت اما تماما همچون او نمی‌اندیشید (متون و گفتارهای تولیدشده ذیل پروژه توسعه سیاسی مؤید این تغییر است). از این مقطع، به‌دلیل بازاندیشی‌های صورت‌گرفته و کم‌رنگ‌شدن عنوان چپ و به‌ویژه صفت خط‌امامی، پروژه ساخت چپ دست‌آموز و بعدتر اصلاح‌طلب دست‌آموز در دستور کار قرار گرفت؛ زیرا سازندگان این دو پروژه معتقد بودند نظام به هر قیمت به چپ و اصلاح‌طلب نیاز دارد؛ نیرویی که به لحاظ سیاسی باید آزادی‌خواهی و دموکراسی را تعلیق کند و به لحاظ اقتصادی رانت‌خوار و به لحاظ سیاست فرهنگی به‌کلی همراه و در سیاست خارجی ضدآمریکا باشد. هرچند این پروژه شکست خورد...».

او در بخش دیگر یادداشت خود اعتراضات سال ۸۸ را با همان اهداف پیشین جریان خط‌امامی‌ها و اصلاح‌طلبان اما با یک تمایز و آن خصلت «توده‌ای»بودن معرفی می‌کند. حجاریان در این یادداشت کوشیده است در وهله نخست مؤلفه‌های تحول‌خواهی را برشمرد و در وهله دوم با ذکر محتوای جریان‌های موجود، ریشه‌شناسی اهداف، رویکردها و کنش‌های آنها را بازنمایی کند. هرچند یادداشت اخیر او این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا اکنون با جریانی برآمده از اعتراضات سال ۸۸ مواجهیم یا خیر؟ حجاریان موضوعی را امر واقع در نظر می‌گیرد که در عالم بیرونی و در مقطع کنونی شاید وجود خارجی نداشته باشد؛ زیرا نیروهای تشکیل‌دهنده چه در رأس و چه در بدنه پیش از ایجاد جریان اعتراضات، برآمده از جریان اصلاح‌طلبی بودند و پس از اعتراضات نیز در شقه‌های اصلاح‌طلبی پراکنده شدند؛ چنان‌که پس از انتخابات سال ۹۲ بسیاری از شخصیت‌هایی که در سال ۸۸ انتقادهایی داشتند، توانستند با نام اصلاح‌طلب به مجلس برسند یا در دولت مسئولیت‌هایی را برعهده بگیرند. حتی در سال ۹۴ یعنی دو سال پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری، حجاریان بحث نرمالیزاسیون در عرصه سیاسی را مطرح کرد که اشاره به عادی‌سازی فضای ملتهب سیاسی پس از سال ۸۸ داشت و نرمالیزاسیون را نه مصداق دموکراسی که راهی برای رسیدن به آن دانست؛ بنابراین این سخن آقای حجاریان مبنی بر آنکه «اکنون با گذشت یک دهه، این سه جریان نه‌تنها تلفیق و تجمیع نشده‌اند؛ بلکه میان آنها مرزبندی صورت گرفته است»، محل نقد به نظر می‌رسد. از سوی دیگر خصلت «توده‌ای»بودن نیز محل تردید است؛ زیرا اعتراضات سال ۸۸ گرچه درباره محفل‌های نخبه‌گرایی اصلاح‌طلبان عام‌تر بود؛ اما باز هم در طبقه متوسط شناسایی می‌شود؛ چنان که اعتراضات معمولا در شهرهای بزرگ رخ داد و آن وجه توده‌ای را به طور کامل محقق نکرد؛ امری که در اعتراضات دی ۹۶ خلاف آن را شاهد بودیم. سعید حجاریان چندی پیش نیز در یادداشتی بحث انتخابات مشروط را مطرح کرد که با واکنش‌های زیادی مواجه شد که شاید بتوان آن یادداشت مهم را ادامه گفت‌وگویی دانست که او هنگام معرفی کابینه دولت دوازدهم با سایت «جماران» داشت و گفت: «بضاعت روحانی در مقطع فعلی در همین حد است؛ چراکه ما از اول انقلاب تا به امروز کادرسازی نکرده‌ایم، اگر کادرسازی می‌کردیم، اکنون کابینه بهتری داشتیم... . خود آقای روحانی هم نیرویی بهتر از این وزرای پیشنهادی نداشت. اگر داشت معرفی می‌کرد. مسئله این است که کفگیر به ته دیگ خورده است و نه کسی را باقی گذاشته‌ایم و نه نیرویی تربیت کرده‌ایم».

حجاریان در موضعی دیگر و شاید در ادامه همین گفت‌وگو نتیجه‌گرایی صرف با هر کیفیت و ابزاری را مصداق گدایی در انتخابات دانسته بود: «انتخابات به معنای کنونی آن، مصداق گدایی قدرت است. اصلاحات، صدقه‌بگیر نیست و اگر مکنت دارد، باید با اتکا بر آن به بازار سیاست برود. اگر پول بازار سیاست را نداشتیم، باید بکوشیم آن را کسب کنیم؛ نه آنکه به هر بنجلی تن دهیم». حجاریان با اتخاذ چنین مواضعی به‌تازگی دیدگاه خود را تا حدی تئوریزه کرد: «شاید عقلانی‌ترین راهبرد را بتوان در مشارکت مشروط جست. از فرصت انتخابات استفاده کرد؛ ولی چنانچه شروط مطرح‌شده برآورده نشد، عطای انتخابات را به لقایش بخشید».

این دیدگاه با مخالفت‌های زیادی همراه شد و تعدادی از اصلاح‌طلبان چنین ایده‌ای را عبور از انتخابات نامیدند. اصلاح‌طلبانِ منتقد دیدگاه حجاریان باور دارند که انتخابات مهم‌ترین و راه‌گشاترین مسیر اصلاح امور است و حتی اگر موانعی پیش‌روی اصلاح‌طلبانِ سطح یک قرار بگیرد، می‌توان با نامزدهای ثانویه عرصه را به نفع اندیشه اصلاح‌طلبی پیش برد؛ هرچند از کُنه مواضع حجاریان لزوما نمی‌توان به نتیجه عبور از انتخابات رسید؛ زیرا انتخابات مشروط حجاریان ناظر به حضور مقتدرانه اصلاح‌طلبان در انتخابات است؛ اما او ذیل تئوری خود مشخص نکرد که این شروط را چطور می‌توان مطرح کرد و به چه کسانی می‌توان ارائه داد؟

هرچند او در یادداشتی تکمیلی بر «اصلاح‌طلبی و مسئله بقا»، «کدام اصلاح‌طلبی؟ کدام بقا؟» را نوشت: «سویه اول مشارکت مشروط اصلاح‌طلبان نه معطوف به خود و حضورشان در قدرت؛ بلکه از سر دغدغه برای تشکیل پارلمان قوی و غنی در راستای منافع مردم است. هرچند نباید از سویه دوم که همان فیلتریزاسیون اصلاح‌طلبان باشد، غافل شد...». حجاریان در پاسخ به این پرسش که چه شروطی و برای چه کسی می‌توان گذاشت، همان نقد رایج اصلاح‌طلبان به احرازنشدن صلاحیت را مطرح کرده است و همچنان راه‌حل اجرائی و مؤثری ارائه نداده است. منتقدان این ایده در ایام انتشار یادداشت «اصلاح‌طلبی و مسئله بقا» می‌گفتند که شاید بهتر باشد به جای شرط‌گذاری برای نهادهای رسمی با آنها وارد یک تعامل سازنده شد؛ امری که گویا در جریان است و براساس سخنان اخیر عباسعلی کدخدایی، اصلاح‌طلبان با شورای نگهبان برای رفع سوءتفاهم‌ها جلساتی را برگزار می‌کنند.

اما همه چنین نقدهایی نمی‌تواند نافی تأثیرگذاری سعید حجاریان بر عرصه سیاسی باشد؛ زیرا شاید مواضع هیچ فعال سیاسی که سال‌هاست مسئولیتی نیز نداشته است، با بازخورد اجتماعی همراه نباشد و گرچه در محتوا و جزئیات موضوعاتی که حجاریان مطرح می‌کند، انتقادهایی وارد است؛ اما نمی‌توان او را جدای از اصلاحات دانست؛ زیرا او با هر خوانشی و به اقتضای زمان در پی بازسازی هویت اصلاح‌طلبی بوده است؛ موضوعی که در حوزه ایده‌های اجرائی در چند یادداشت اخیر او می‌توان جست‌وجو و در حوزه تبیین هویت اصلاح‌طلبی و تمییز آن با جریان‌های دیگر در یادداشت جدیدش مشاهده کرد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● از شهرداری منطقه ۲ سؤالی داشتم: آیا در جریان هستید کارواش خیابان ایران‌زمین جنب فروشگاه شهروند فضای سبز عمومی مردم را تبدیل به پارکینگ اختصاصی کرده است؟

آریان

● ۱۸ سال پیش تعاونی مسکن مخابرات ۹۰ میلیون تومان از ما پول گرفت و قرار بود خانه‌ها را پنج‌ساله به ما تحویل دهند که متأسفانه تا این لحظه خانه‌ها نیمه‌کاره رها شده است و هیچ خبری نیست.

یک مخاطب

● در آزمون دکترای غیرپزشکی وجود سهمیه برای بعضی اقشار حق داوطلبانی را که زحمت فراوان کشیده‌اند و رتبه خیلی خوب زیر ۱۵ کسب کرده‌اند، ضایع می‌کند. کسی که رتبه مثلا ۳۵۰ آورده، با بهره از سهمیه رتبه‌اش مثلا ۱۱ می‌شود و در آزمون قبول می‌شود. این عزیزان را از راه‌های دیگری تشویق کنید.

یک مخاطب

● **نشانه‌گیری جیب‌های مردم!** خوش به حال اعضای شورای شهر که خودروی شخصی دارند و از اتوبوس شرکت واحد یا مترو استفاده نمی‌کنند! مردم کم‌درآمد و بدون وسیله نقلیه شخصی مجبورند در رفت‌وآمد با پرداخت کرایه‌های بالا و ازدحام جمعیت با اتوبوس یا مترو سفر کنند یا به محل کارشان بروند. در گذشته کرایه‌ها ارزان بود و با پنج هزار تومان کارت بلیت اعتباری‌مان را شارژ می‌کردیم و با آن چند سفر درون‌شهری انجام می‌دادیم؛ اما حالا مسافران با ۲۰ هزار تومان یا بیشتر از آن کارت‌های اعتباری را شارژ می‌کنند و با چند سفر مترو و اتوبوس موجودی کارت تمام می‌شود! متأسفانه مسئولان و اعضای شورای شهر به جای اینکه به فکر جیب مسافران کم‌درآمد باشند، به فکر پُرکردن جیب‌های شرکت‌های بهره‌برداری مترو و شرکت واحد هستند. برای جبران هزینه‌ها نباید جیب‌های مردم را نشانه‌گیری کنند!

علی‌اکبر فرقانی

● **علاقه‌مندان مطالعه برای خرید روزنامه در مضیقه‌اند:** کمبود کاغذ و اختصاص‌نیافتن سهمیه کاغذ به روزنامه‌ها باعث افزایش قیمت برخی روزنامه‌های سراسری شده است و علاقه‌مندان به مطالعه برای خرید در مضیقه‌اند. لطفا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاره‌ای بیندیشد.

فاطمه معینی